

تجلی قرآن در مبسوط استاد جعفری لنگرودی

محمد درویش‌زاده^۱

رقیه فراهانی^۲

چکیده:

هدف از نگارش این مقاله، بررسی و تحلیل نحوه استناد و ارجاع استاد جعفری لنگرودی به آیات قرآن کریم در مجموعه پنج جلدی مبسوط در ترمینولوژی حقوق است. استاد جعفری لنگرودی در این مجموعه، تعداد ۱۵۱۶۵ مدخل را ذکر و تعریف کرده است. از این تعداد، در ۴۴۱ مدخل به آیه یا آیات مشخصی از سوره‌های قرآن کریم استناد کرده است. در مقاله حاضر، هر یک از مدخلهایی که استاد در تعریف و توضیح آنها به آیه یا آیاتی از قرآن کریم استناد کرده است، از چهار منظر مورد بررسی قرار می‌گیرند: ۱- وجه خلاقانه و نوآوری ایشان در تبیین و برداشت از مفاهیم قرآنی ۲- زمینه‌سازی پژوهشی و ایجاد پرسش برای پژوهش‌های بعدی ۳- توسعه علمی ۴- فراهم‌سازی زمینه اصلاح قوانین.

اشارات ایشان به آیات قرآن در ذیل اصطلاحات مختلف به معنای قطع و جزم و یقین ایشان به قابل استناد بودن آیه در برداشت‌های حقوقی نیست. اما حداقل نشان از جرقه‌های ذهنی و ابتکار و خلاقیت و نوآوری‌هایی است که در ایجاد ربط معنایی میان اصطلاح قرآنی یا آیه قرآنی با مفاهیم حقوقی جدید است و می‌تواند زمینه پژوهش و تحلیل و مطالعه را فراهم کند و پرسش‌های فراوانی برای عرصه‌های پژوهشی ایجاد کند.

کلیدواژه: قرآن کریم، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، آیات الاحکام، تفسیر عصری، حقوق و قرآن، استاد جعفری لنگرودی، برداشت‌های قرآنی

مقدمه (بیان مسئله):

استاد جعفری لنگرودی در بین آثار متعددی که به جامعه حقوقی و فقهی ارائه کرده‌اند، به تدوین دانشنامه‌های تخصصی حقوق نیز اهتمام ویژه‌ای دارند، به گونه‌ای که تاکنون منابع متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند. اهم این پژوهشها عبارتند از: مجموعه پنج جلدی الفارق، مجموعه پنج جلدی دانشنامه حقوقی، وسیط در ترمینولوژی حقوق، ترمینولوژی حقوق، دایره المعارف علوم اسلامی و قضایی (دو جلد)، دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت (دو جلد) و نهایتاً مجموعه پنج جلدی مبسوط در ترمینولوژی حقوق. ایشان تاکنون بیش از ۲۰ جلد دانشنامه حقوقی به جامعه حقوق دانان ارائه کرده‌اند. تحقیق حاضر محدود به مجموعه پنج جلدی مبسوط در ترمینولوژی حقوق است. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی روش تحقیق مورد استفاده استاد جعفری لنگرودی، نحوه استناد به قرآن کریم در تعریف و تبیین اصطلاحات حقوقی در مجموعه پنج جلدی مبسوط در ترمینولوژی حقوق شناسایی، تبیین و تحلیل شود. ابداعات و ابتکارات قرآنی استاد در مجموعه مبسوط به دو دسته قابل تقسیم است. یک دسته، مواردی است که مستقیماً ایشان مفهومی حقوقی را از آیه‌ای خاص برداشت می‌کند و دامنه آیات الاحکام را توسعه می‌دهد و دوم مواردی است که واژه‌ای قرآنی را معادل واژه‌ای حقوقی تعریف می‌کند و معادل می‌سازد. مثل این که گفته‌اند "تبیین" معادل "استنتاج" است یا "بطانت" معادل "اطرافیان" مقام دولتی است.^۲ در هر دو حالت اتفاقی که می‌افتد، توسعه علمی، رشد علمی، ابتکار و خلاقیت علمی و توسعه مرزهای دانش حقوق و ایجاد روابط میان علوم مختلفی است که استاد به آن مجهز هستند. با توجه به این مطالب سؤالات مورد بررسی در این مقاله به شرح زیر است:

سوال اصلی تحقیق:

چه تحلیل و نتایجی از نحوه استناد و ارجاع استاد جعفری لنگرودی به قرآن کریم در تدوین مجموعه مبسوط قابل استفاده است؟

سؤالات فرعی تحقیق:

- ۱- آیا ایشان در تبیین و برداشت از مفاهیم و استناد به آیات قرآن کریم دارای ابتکار و نوآوری هستند؟
- ۲- آیا برداشت‌های ایشان از مفاهیم قرآنی می‌تواند زمینه ساز پژوهشهای بعدی باشد؟
- ۳- آیا برداشت‌های ایشان از مفاهیم قرآنی می‌تواند موجب توسعه علمی شود؟
- ۴- آیا برداشت‌های ایشان از مفاهیم قرآنی می‌تواند زمینه اصلاح قوانین را فراهم کند؟

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، ۱۳۸۸، ص ۳۵۶، مراجعه شود به ذیل مدخل استنتاج

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، همان، مراجعه شود به ذیل مدخل اطرافیان، ص ۴۵۸

روش تحقیق در مبسوط لنگرودی:

استاد جعفری لنگرودی در مقدمه مبسوط به تبیین روش تحقیق به کار رفته در نگارش مبسوط پرداخته و آورده است: برای تعریف اصطلاحات تاکنون روشهای مختلفی به کار رفته یکی از این روشها، روش منطق ارسطویی است. دومین روش، روش شرح اسم و روش دیگر، احاله به عرف است. علاوه بر اینها روش مقایسه دو اصطلاح، ابزار دیگری است برای تعریف و تبیین هر اصطلاح. اما ایشان در تدوین مجموعه مبسوط روشی انحصاری را ابداع کرده و مورد استفاده قرار داده است. این روش را روش "عناصرشماری" نامیده و آن را اینگونه تعریف کرده است که: «عناصرشماری کشف عناصر سازنده اصطلاحات بر اثر تحقیق و پژوهش». وی از عناصرشماری به عنوان مهمترین ابزار تحقیق خود در تدوین این مجموعه یاد کرده است.^۱ ایشان علاوه بر عناصرشماری از ابزاری چون مقایسه دو اصطلاح متقارب، سابقه تاریخی و... هم بهره برده‌اند.

ساختار مقاله:

با توجه به سؤال‌های تحقیق ساختار مقاله به شرح زیر است؛

- ۱- تعداد ۶۸ مورد از برداشت‌های قرآنی استاد جعفری لنگرودی از مجموعه پنج جلدی مبسوط در ترمینولوژی حقوق در اینجا بررسی و تحلیل شده است.
- ۲- برای اختصار از آوردن متن مطالب ایشان پرهیز شده است.
- ۳- عناوین هر مطلب مستقیماً از عنوان مدخل گرفته شده است که در کتاب مبسوط آمده است. مگر موارد خاص و محدود که اقتضای مطلب بوده است.
- ۴- متن آیه مورد استناد مقابل مدخل آورده شده است.
- ۵- ذیل هر مدخل گزارشی از نوفهمی‌ها و ابتکارات ایشان ارائه شده است.
- ۶- مواردی که موجب ایجاد پرسش و پدید آمدن زمینه پژوهش‌های بعدی شده نیز یادآوری شده است.

۱- آیات الاحکام

ایشان در ذیل مدخل آیات الاحکام تأکید می‌کنند که آیات سیاسی که در قرآن کریم آمده است، غالباً در کتابهای آیات الاحکام مدون نشده است. در ادامه برای تبیین اینکه چرا آیات سیاسی قرآن در آیات الاحکام مدون نشده به صورت یک احتمال اضافه کرده‌اند شاید آپولی تیسیم موجب این امر شده است و توضیح داده‌اند که یعنی دول جبار اموی و عباسی را خوش نمی‌آمد که عالمی آن بحث‌ها را ارائه کند. از این نگاه ایشان نتیجه می‌گیریم که اولاً؛ معتقدند که آیات الاحکام و کتب آیات الاحکام به صورت جامع تدوین نشده‌اند و ثانیاً؛ معتقدند که برخی از آیات که احکام فقهی از آنها قابل استنباط هستند، مورد توجه

قرار نگرفتند و از جمله به آیات سیاسی که در قرآن کریم آمده است، اشاره می‌کنند و در نتیجه نگاه ایشان در رابطه با آیات الاحکام، رویکرد عصری است و نگاه به نوزایی آیات الاحکام دارند.^۱

۲- آیهٔ الْاِبْتِلَاءِ: (آیه ۶ سوره نساء) وَأَبْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ

نوآوری و برداشت جدیدی که از این آیه داشته‌اند، این است که ایشان مفاد آیه را به صورت کلی سندی بر حجیت اماره قضایی و نیز سندی بر اعتبار تحقیقات در بازجویی و بازپرسی دانسته‌اند. اگرچه حجیت امارات قضایی در ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی آمده است، اما پذیرش اعتبار تحقیقات در مرحله دادسرا، سال‌ها از سوی فقها مورد تردید بوده و حتی در حال حاضر نیز این تردید وجود دارد. فقدان نگرش تطبیقی و قدرت انتقال و تطبیق و نوزایی آیات الاحکام موجب شد که قانون‌گذار اسلامی به دلیل تردید در اعتبار تحقیقات در مراحل دادسرا، اشتباهاتی چون انحلال دادسرا، ایجاد دادگاه‌های عمومی، برگشت به نظام دادرسی مرتکب شد و سیستم قضایی ایران از این رهگذر دستخوش آسیب و رنج‌های فراوانی شد که تفتن استاد به برداشت از این آیه برای اعتبار تحقیقات در بازجویی و بازپرسی، می‌توانست مانع از این همه مسئله آفرینی بر سر راه توسعه قضایی شود!!

۳- آیه الاعتداء (آیه ۱۹۴ سوره بقره) فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ

۱- وجه نوآوری و برداشت از این آیه، آن است که ایشان مفاد آیه را به اصل معامله متقابل ارتباط داده‌اند و ۲- اصل رابطه متقابل را هم در روابط بین افراد معتبر دانسته‌اند و هم در روابط بین دول. در نتیجه آیه مزبور از نظر ایشان می‌تواند زیرساختی برای قاعده‌گذاری و قانون‌گذاری هم در حقوق خصوصی و هم در حقوق بین‌الملل باشد. این برداشت می‌تواند در نوع خود نوآوری داشته باشد و حداقل از نظر نویسندگان آیات الاحکام تا به حال از این وجه قابل توجه نبوده است و مورد استفاده قرار نگرفته است.

۴- اعتداء (آیات ۱۷۸ تا ۱۹۴ سوره مبارکه بقره و آیات ۸۷ یا ۸۸ الذین آمنوا لا تحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا تعتدوا)-۹۴ فَمَنْ اَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ اَلِيمٌ- (سوره مائده)

نکته قابل توجه در خصوص مدخل اعتداء این است که ایشان با توسعه معنایی و برداشت‌های جدید، اعتدا را به جرایم مالی و غیرمالی تعمیم دادند و این برداشت می‌تواند زمینه ساز پژوهش‌های بعدی باشد.

۵- اصل معامله متقابل (آیه ۱۹۴ سوره بقره) فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ

از نکات قابل توجه در خصوص این مدخل این است که اولاً برای این اصل سند قرآنی شناسایی کرده‌اند. ثانیاً مفاد اصل مزبور را از حقوق داخلی به حقوق خارجی توسعه داده‌اند.

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه نوزایی آیات الاحکام، مراجعه شود به درویش زاده کاخکی، محمد، تفسیر عصـری و نوزایی

آیات الاحکام جزایی، همایش قرآن، حقوق، سیاست و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد خراسان ۱۳۸۹

۶- آیه التثبّت: (آیه ۶ سوره حجرات) **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا**

اولاً؛ ایشان این آیه را سندی مستقیم بر حجیت اماره قضایی دانسته‌اند. قابل توجه این است که ایشان تأکید دارند بر اینکه این آیه مستقیماً اماره قضایی را حجت می‌داند و البته می‌توان در این خصوص به این نکته اشاره کرد که نویسندگان قانون مدنی در توضیحاتی که ذیل ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی داده‌اند، در مبانی اعتبار اماره قضایی به این آیات استناد نکرده‌اند. در این خصوص می‌توان به چند نفر از نویسندگان مشهور قانون مدنی مراجعه و بررسی کرد که آیا به آیه استناد کرده‌اند یا نه؟

ثانیاً؛ ایشان علاوه بر اعتبار بازجویی‌ها، بر اساس این آیه، اشاره کرده‌اند که تشکیلات دادسرا و بازپرسی و لزوم بازجویی در شهربانی‌ها هم قابل استفاده از مدلول این آیه است.

ثالثاً؛ علی‌رغم اینکه ایشان معتقدند که تشکیلات دادسرا قابل استفاده از این آیه است، اما در ادامه با وسواس ویژه‌ای تأکید می‌کنند که اجتناب‌ناپذیر بودن و لزوم و الزام دادسراها از این آیه استفاده نمی‌شود. اما جواز و امکان دادسرا را می‌توانند از این آیه استفاده کنند. نتیجه اینکه هم وسواس کاملی در استنباط و استناد برداشت از قرآن و هم دقت و نوآوری بالایی در این خصوص دارند.

۷- آیه التراضی (آیه ۲۹ نساء) **لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ**

اولاً؛ ایشان تصریح می‌کنند که اصل حاکمیت قراردادهای خصوصی را می‌توان از این آیه استخراج کرد. ثانیاً؛ در این خصوص تأکید می‌کنند که تردیدی در این برداشت ندارند و آن را معتضد به احادیث باب صلح هم می‌دانند. ثالثاً؛ اینکه تأکید می‌کنند که مضمون ماده ۱۰ قانون مدنی را هرچند از فرنگ گرفتند ولی حاجت نبوده و از همین آیه می‌توان برای آن و برای فهمیدن آیه نخست سوره پنجم کمک گرفت. رابعاً؛ از این آیه، اصل اعتبار عقود را استنباط می‌کنند و از آنجا که ایشان «اصل اعتبار عقود» را به عنوان «اصل بقای عقد» از مبانی «تئوری موازنه» نیز استنباط کردند، اهمیت این برداشت روشن می‌شود. به عبارت دیگر، ایشان اصل بقای عقد را به عنوان یکی از پایه‌های اصلی تئوری موازنه پیشنهاد کردند در اینجا بنیانی قرآنی نیز از این اصل نشان داده‌اند. البته به نظر می‌رسد که شارحین ماده ۱۰ قانون مدنی که با مذاق شریعت مدارانه به توضیح آن پرداخته‌اند نیز به این آیه استناد کرده‌اند؛ اما تعداد نکاتی که ایشان از این آیه استخراج کرده و مخصوصاً در این مدخل آورده‌اند، قابل توجه و واجد ابتکار است.

۸- آیه الشقاق: (نام آیه ۳۵ سوره نساء که مسئله داوری بین زوجین در آن مطرح است) **وَإِنْ خِفْتُمْ**

شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا

این برداشت استاد از آن جهت واجد اهمیت است که اولاً؛ این برداشت در کتاب‌های قبلی ایشان ظاهراً آمده است و مسئله داوری بین زوجین در آن مطرح شده است و ثانیاً؛ اینکه متن این آیه و برداشت این

چنینی در ماده واحده نحوه اجرای احکام طلاق سال ۱۳۷۰ آمده است.^۱ این مطلب از آن جهت مهم است که این برداشت از آیه در نهایت توسط قانون‌گذار با همین مبنا مورد توجه قرار گرفته و منشأ تأثیر اصلاح قانون هم بوده است.^۲ اگرچه انتشار این برداشت در المبسوط متأخر بر تصویب آن قانون است اما تأثیر اندیشه‌های استاد در سایر آثارشان در قانون‌گذاری امری مسلم است.

۹- آیه المداینه: (نام آیه ۲۸۲ سوره بقره است. این آیه از طولانی‌ترین آیات قرآن است) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ

ایشان در خصوص این آیه، هفت حکم استخراج کردند. اگرچه در این خصوص بعضی از پژوهشگران احکام بیشتری استخراج کرده‌اند. از جمله محمود شهابی در ادوار فقه^۳ آورده است: «...فاضل مقداد در ذیل این آیه ۲۱ حکم فقهی آورده و فوائدی زائد هم برای آن مذکور دانسته است. از جمله آن احکام اباحه معامله است..»

و نویسندگان کتاب تعرض به سند نیز ۹ نکته از این آیه استخراج کرده‌اند.^۴ از جمله این نکات، می‌توان به ضرورت کتابت دین، تشریفات تنظیم سند، اشتراط اوصافی برای نویسنده و... اشاره کرد. اما قابل توجه اینکه اولاً؛ استاد جعفری لنگرودی نکات بیشتری در سایر آثارشان از همین آیه استخراج کرده‌اند و در اینجا به دلیل اختصار به ذکر ۷ نکته اکتفا کردند. ثانیاً؛ نکاتی که در اینجا ذکر شده، نکات و قواعدی بنیادین و کامل و اساسی است که خود می‌تواند دارای نکات زیرمجموعه‌ای و زیرشاخه‌ای متعدد باشد. مفسر قرآن کریم، در مجموعه تفسیر نور تعداد ۳۰ پیام و نکته از این آیه استخراج کرده است.^۵

۱. ماده واحده (منسوخه ۱۳۹۱/۱۲/۰۱) از تاریخ تصویب این قانون زوجیهایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاه هستند (آنطور که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردید. دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاقهایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت از سر دفتر خاطی، سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد.

۲. ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱ مقرر داشته: «در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.»

۳. شهابی، محمود، ادوار فقه، ج ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۰

۴. پوربدخشان، جعفر، درویش زاده کاخکی، محمد، تعرض به سند، (مفاهیم، قواعد و نحوه رسیدگی در حقوق ایران)، جنگل، ۱۳۸۸، ص ۳۲

۵. برخی از این نکات عبارتند از: مدت بدهکاری، باید روشن باشد. «الی اجل مسمی»- برای حفظ اعتماد و خوش بینی به همدیگر و آرامش روحی طرفین و جلوگیری از فراموشی، انکار و سوءظن، باید بدهی‌ها نوشته شود. «فاکتبوه»- باید بدهکار که حق بر ذمه اوست، متن قرار داد را بگوید و کاتب بنویسد، نه آنچه را بستانکار ادعا نماید. «و لیملل الذی علیه الحق»- موجب جرأت گواهان بر شهادت دادن است. «اقوم» و... برگرفته از تفسیر نور، ذیل آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره

۱۰- اتخاذ اخدان (آیه ۲۵ سوره نساء) فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ

۱- نگرش حقوقی به اصطلاح منع اتخاذ اخدان آن است که ایشان آن را «یک گام اصلاحی در ترفیع زنان» می‌داند و نتیجه می‌گیرد که اسلام «گامی قاطع در راه کرامت و عفت زنان برداشته و امری قابل ستایش است» ایجاد نگرش جدید به مفهوم آیه و ایجاد بار ارزشی و نگرشی وجه نوآوری این برداشت است.

۲- اشاره به اینکه بعضی از خاورشناسان اتخاذ اخدان را با متعه شرعی اشتباه گرفته‌اند، وجه دیگر توسعه علمی ایشان است.

۳- تعریف معادل لاتین اتخاذ اخدان (Common law marriage) از وجوه نوآوری ایشان در مفهوم‌شناسی است.

۱۱- اجماع امامیه (آیه ۱۱۵ سوره نساء) وَمَنْ يَشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

نکات قابل توجه در خصوص مدخل اجماع امامیه به شرح زیر است:

اولاً؛ نکته قابل توجه اینکه ایشان با طرح یک سؤال اساسی زمینه نوفهمی و نوزایی مفهوم اجماع را فراهم کرده‌اند و آن این است که آیا عقاید علمای حقوق در اصطلاحات حقوق جدید، قابل کشف با اجماع هست یا نه؟ در صورتی که پاسخ به این سؤال ایشان مثبت باشد نتیجه خواهیم گرفت که مباحثی که در رابطه با اعتبار منابع حقوق در مقدمه علم حقوق^۱ مطرح می‌شود، بنیان قرآنی نیز می‌تواند داشته باشد و ثانیاً؛ انبوهی از مباحث راجع به اجماع قابل انتقال به مباحث علم حقوق خواهد بود. به این ترتیب یافته‌ها و پژوهش‌های انجام شده توسط دانشیان اصولی در باب اجماع قابل انتقال به بحث حقوق خواهد بود و از این منظر روابط بین علوم اصول و فقه و حقوق و بحث منابع حقوق با یافته‌های بحث اجماع برقرار خواهد شد. اصل طرح این مسئله دارای ارزش بین رشته‌ای و انتقال دانش از حوزه اصول به حوزه مبانی حقوق یافته مناسبی است.

۱۲- احترام مال (آیات ۱۸۸ سوره بقره، وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۲۹ سوره نساء و ۶۱ سوره نور)

از نکات قابل توجه اینکه ایشان سه سند قرآنی بر اصل احترام مال ارائه کرده و نتایجی را بر اصل احترام مال بار کرده و فروعاتی را از اصل احترام مال استخراج کرده‌اند که در متن آورده شده است. به نظر می‌رسد که اولاً؛ اصل اسناد قرآنی که برای این قاعده استخراج شده، امری نوآورانه است و ثانیاً؛ نتایجی را

۱. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق (مطالعه در نظام حقوقی ایران)، بهمن، ۱۳۷۵

که از این اصل گرفته‌اند، می‌تواند هم مبانی بسیاری از قوانین را مستحکم کرده و هم سند قرآنی برای آن فراهم کند و هم در اصلاح برخی از قوانین مخصوصاً در قوانین راجع به ضمان و مصادره، منشأ اصلاح قوانین نیز باشد.

۱۳- آیه الاحسان (نام آیه ۹۱ سوره توبه است) مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ

نکات قابل توجه در خصوص این مدخل به شرح زیر است:

نکته اول: ایشان فرضی را در رابطه با معامله مال مسروقه، موضوع ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات از این آیه استنباط کردند و نشان می‌دهند که در جرم‌انگاری معامله مال مسروقه، عنصر معنوی آن نیاز به سوءنیت خاص نیز دارد و عنصر معنوی عام در آن کفایت نمی‌کند.

نکته دوم: آیه احسان را منشأ رابطه تضاد بین احسان و عدوان دانسته و آنرا به هر عملی تعریف کردند که عدوان نباشد!!

نکته سوم: عنصر حسن نیت را در فاعل احسان مورد تأکید قرار دادند. عناصر مزبور در مباحث حقوقی جایگاه اختصاصی ویژه‌ای دارد و کشف و اثبات و استناد منشأ قرآنی برای این عناصر و مفاهیم حقوقی و استخراج آن از آیه احسان دارای وجوه نوآورانه و بدیع است که عمدتاً توسط شارحان آیات الاحکام کشف نشده بود.

نکته چهارم: در این خصوص، تعدد ارجاعاتی است که در ذیل این عنوان اشاره کردند که حکایت از بنیان پژوهشی این اصطلاح دارد. به عبارت دیگر، آیه احسان قبلاً توسط شارحان آیات الاحکام و یا اصولیین مخصوصاً توسط فقها مورد توجه قرار گرفته است؛ اما مهم توسعه دایره معنایی این آیه است و تلاشی که ایشان برای استنباط احکام و فروع جدید از این آیه داشته‌اند و نظراتشان را در اینجا ذکر کرده‌اند، این برداشت می‌تواند از مصادیق توسعه علمی حقوق و برداشت‌های قرآنی و نوزایی آیات الاحکام باشد.

۱۴- احصار (آیه ۱۹۶ سوره بقره) فَإِنْ أَحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ

از نکات قابل توجه اینک:

نکته اول: ایشان رابطه معنایی بین اصطلاح «احصار» و معادل «فورس‌ماژور» در حقوق جدید ایجاد کردند. این موضوع مستلزم چیزی است که استاد در کتاب‌هایشان از آن به «ابرسیستم» یاد کرده‌اند. کشف و فهم دقیق مفهوم فورس‌ماژور در حقوق جدید و اشراف به مفهوم احصار و خلاقیتی که بین مفهوم فورس‌ماژور در حقوق جدید و مفهوم احصار رابطه برقرار می‌کند و پیشینه معادل فورس‌ماژور را در بحث احصار نزد فقها بیان می‌کند، از نوآوری‌های ایشان است. این موضوع از مصادیق توسعه علمی است زیرا باعث ایجاد ارتباط در مرزهای دو دانش فقه و حقوق نوین شده و بر اساس فرایندهای توسعه علمی می‌توان با تأملاتی که میان این دو مفهوم انجام می‌شود، قدر مشترک آنها و تفاوت‌های آنها و تشابه‌های آنها را شناسایی کرد. توسعه دامنه واژگان تخصصی و برقراری ارتباط میان واژگان اختصاصی و تخصصی حقوق و فقه از مصادیق توسعه علمی است.

نکته دوم؛ وجود سند و استناد قرآنی است که در این خصوص ایشان ارائه می‌کنند.

۱۵- احضار(آیه ۱۰۶ سوره مائده یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ و آیات ۴۸ تا ۵۱ سوره نور)

نکته قابل توجه اینکه احضار که اصطلاح آیین دادرسی است و در حقوق کیفری و مدنی قابل طرح است، از نظر ایشان سندی قرآنی دارد و به آیاتی اشاره می‌کنند که خوب است در پژوهش‌های قرآنی مدنظر باشد. شناسایی بنیان قرآنی برای احضار امری قابل توجه است.

۱۶- ادله اثبات دعوا(آیه ۲۸۲ سوره بقره) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ... وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ...

نکات قابل توجه در این خصوص به شرح زیر است:

نکته اول: ایشان تأسیس ادارات ثبت و دفترخانه‌ها و امثال آن را از مصادیق ارائه خدمات دولتی در زمینه ادله اثبات دعوا شمرده‌اند.

نکته دوم: بر این اساس مستندی قرآنی بر اعتبار سند رسمی و اماره و نظر کارشناس و امثال آن ارائه داده‌اند که در نوع خود بی‌نظیر است. این نگرش می‌تواند توجیه چرخش قانون‌گذاری از سیستم ادله «اثبات قانونی» به ادله «اثبات معنوی» را مستند کند و مبنای لازم را برای این تغییرات قانون‌گذاری ارائه دهد.

۱۷- ارث (آیه ۷ سوره نساء) لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

۱- ایشان تفاوت بین ترکه و ارث را بیان کرده است.

۲- اشتراک زن و مرد در ترکه را به استناد آیه ۷ از سوره مبارکه نساء اصل دانسته است.

۳- ایشان از این که واژه ارث با توجه به اهمیت آن در فرهنگ شیعه امامیه در لغت‌نامه دهخدا نیامده است، انتقاد کرده‌اند و در ادامه آورده‌اند که در لغت‌نامه رساله ارث ابن رشد که از اهل سنت بوده و به زبان عربی است، عیناً چاپ کرده‌اند در حالی که اولاً؛ زبان لغت‌نامه فارسی است و ثانیاً؛ مراجعه کننده چگونه ده صفحه لغت‌نامه را به عربی از رساله ارث ابن رشد بفهمد؟ ثالثاً؛ رساله ابن رشد حول محور تعصیب دور می‌زند که به قول صاحب جواهر، تعصیب شاخه‌ای است از درخت انکار امامت و ضلال! ایشان در ادامه آورده است ای کاش اصل موازنه را رعایت می‌کردند و ده صفحه هم از کتب امامیه به فارسی در لغت ضبط می‌کردند که هر روز ایرانیان نیاز دارند. اما دایرةالمعارف فارسی، لغت ارث و ترکه را حذف کرده و چند خط بی‌ارزش در زیر کلمه فرائض آورده است. در عوض اسماء اعلام فرقه ضاله معروف را جابه‌جا درج می‌کند!! این توضیحات عمق حساسیت، دانش ذهنی و دغدغه‌های علمی و اجتماعی ایشان را در پاسداری از مفاهیم قرآنی نشان می‌دهد.

۱۸- آیه یأس (نام آیه ۲۳ سوره عنکبوت است) **أُولَئِكَ يَسُؤُوا مِنْ رَحْمَتِي**

در ذیل آیه یأس ایشان انتقاد می‌کنند از فرهنگ معین و لغت‌نامه که این واژه را ضبط نکرده‌اند و این را ناشی از غفلت آنها می‌دانند. این نظر عمق پژوهش و نکته‌بینی ایشان را نشان می‌دهد.

۱۹- استباق (آیه ۱۷ سوره یوسف) **إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ**

نکته قابل توجه اینکه ایشان برای عمل حقوقی شرکت در مسابقات که امروزه بسیار مبتلابه است، سند قرآنی ذکر می‌کنند و خصوصاً آنکه این سند و استباق و مسابقه را بسیار عام می‌دانند. اعم از اینکه با قمار باشد یا نه؟ و با برد و باخت باشد یا نه؟ و...

۲۰- اِصْرَ (آیه ۲۸۶ سوره بقره) **رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا**

به نظر می‌رسد اساساً معنای اِصْرَ را غالب مفسرین، بار گناه و بار سنگین معنا کردند.^۱ اما نگاه حقوقی استاد باعث شده آن را به «تعهد» معنا کند و سند تعهد را هم به معنای اِصْرَ بداند که حاکی از اشراف ایشان بر تغییرات معنایی کلمه و معنای معاصر کلمه اِصْرَ در لغت عربی است.

۲۱- استراق (آیات ۱۶ تا ۱۸ سوره حجر) **إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ**

نکته قابل توجه این است که ایشان با سند قرآنی، استراق را امری منفی و منهی می‌دانند و این موضوع می‌تواند مبنای قرآن برای جرم‌انگاری استراق سمع یا شنود غیرقانونی را فراهم کند که در قوانین جزایی خیلی مورد توجه قرار نگرفته و با شک و تردیدهایی مواجه است. یعنی همه فروض شنود، جرم‌انگاری مناسبی نشده است. از جمله به تخلفات مربوط به مأموران شنود در قانون آیین دادرسی کیفری جدید اشاره‌ای نشده است.^۲

۲۲- استشهاد (آیه ۲۸۲ سوره بقره) **وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدِينَ**

قابل توجه است که ایشان برای استشهادیه و تقاضا برای شهادت نیز سندی قرآنی ارائه داده‌اند و آن را جدای شهادت مفهومی مستقل دانسته‌اند.

۱. برای نمونه نگاه کنید به:

- تفسیر المیزان، علامه محمدحسین طباطبایی رحمه الله علیه، ج ۲، رجاء، ۱۳۷۰

- تفسیر نور، محسن قرائتی، ج ۱، آیه ۲۸۶ سوره بقره، ۱۳۸۸، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم

۲. در ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «کنترل ارتباطات محاوراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.» و هیچ اشاره‌ای به ضمانت اجرای تخلف از این ماده نشده است.

۲۳- استصحاب حکم (آیات ۱۰۶، ۱۰۷ و ۱۰۸ ذَلِكَ اَدْنٰى اَنْ يَّاتُوْا بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَّجْهِيْهَا اَوْ يَخَافُوْا اَنْ تُرَدَّ اَيْمَانٌ بَعْدَ اَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَسْمَعُوْا وَاَللّٰهُ لَآ يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ سوره مائده)

ذیل این مدخل، ایشان به استصحاب اعتبار قانون اشاره کردند. از نکات قابل توجه، نگرش بین رشته‌ای و انتقال دانش بین علمی است که ایشان بحث استصحاب اعتبار قانون را به مباحث استصحاب ارجاع داده‌اند و گامی در جهت توسعه علمی از این طریق برداشته‌اند. ضمن آنکه بر این اساس مدخل استصحاب اعتبار قانون نیز به صورت مستقل ایجاد و تعریف شده است.

از نکات قابل توجه، نگرش بین رشته‌ای و انتقال دانش بین علمی است که ایشان بحث استصحاب اعتبار قانون را به مباحث استصحاب ارجاع داده‌اند و گامی در جهت توسعه علمی از این طریق برداشته‌اند.

۲۴- استضعاف (آیه ۱۲۷ سوره نساء وَالْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَاَنْ تَقُوْمُوا لِلْيَتَامٰى بِالْقِسْطِ و آیه ۱۵۰ سوره اعراف) قَالَ اَبْنُ اُمِّ اَبْنِ الْقَوْمِ اسْتَضْعَفُوْنِيْ وَكَادُوْا يَقْتُلُوْنِيْ

از نکات قابل توجه این است که اولاً؛ ایشان موضوع را در حقوق سیاسی قابل توجه دانستند. ثانیاً؛ این مفهوم را در حقوق مدنی نیز قابل تسری و تعریف دانسته‌اند و مهم آنکه برای این مطلب شاهد قرآنی ذکر می‌کنند و ثالثاً؛ تعریف عامی از مستضعف ارائه می‌کنند و آن را به هر کس و هر گروهی تعمیم می‌دهند که به حقوق آنها تجاوز شود و مرجع قانونی نافذ الکلمه و عادلانه نباشد که رفع ظلم از او بکند و رابعاً؛ استناد تاریخی به نظر ابن اثیر است که گفته «علی و عباس عموی پیامبر پس از وفات پیامبر از مستضعفان بودند» و خامساً؛ با مفهوم‌سازی از تبعیض نژادی به عنوان یک مصداق استضعاف و به تبع آن سایر انواع تبعیض‌ها را به عنوان استضعاف می‌دانند. سادساً؛ طرح بحث استضعاف در روابط بین‌الملل از نکات جدیدی است که توسط ایشان مطرح شده است و بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که ایشان تبعیض را در هر نوعی از مصادیق استضعاف می‌شمارند و از این جهت منهی قرآنی می‌دانند که امری بدیع است.

۲۵- استظهار (آیه ۴۰ سوره حج) الَّذِيْنَ اَخْرَجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلَّا اَنْ يَقُوْلُوْا رَبَّنَا اللّٰهُ

۱- از نظر ایشان استظهار کاری استنباطی و ذوقی است و پشتوانه آن تسلط بر قواعد ادبی، منطقی، فقه اللغه و مطالعات تاریخی است. این توصیف ایشان از استظهار یادآور مباحث نوپدید هرمنوتیک و نیز مباحث زبان‌شناسی راجع به رابطه لفظ و معنا است که قواعدی برای فهم متون ارائه می‌دهد.^۱

۲- نکته قابل توجه دیگر اینکه مثالی که از استظهار بیان می‌کنند، نشانگر اشرف و ریزینی ایشان در فهم و استنباط از آیات قرآن است که به لحاظ اختصار از ذکر آن پرهیز می‌شود.

۱. واعظی، احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳، نیز مجتهد شبستری، هرمنوتیک،

۲۶- استنطاق (ایشان آیه خاصی را به این مدخل ارجاع نداده‌اند. فقط لغت تبیین در قرآن را معادل این واژه ذکر کرده اند)

نکات قابل توجه در این خصوص عبارتند از:

۱- ایشان ذیل واژه بازجویی آورده‌اند: «تحقیقات از متهم یا مظنون به بزه است در کلانتریها در قرآن لغت "تبیین" متناسب با این معنی به نظر می‌رسد و به حسب مدلول لغت اعم است. نزدیک غازی فرستاد که دل مشغول نباید داشت، که این بر تو بساختند و ما بازجوییم این کار را...»^۱

۲- ذیل واژه استنطاق نکته بسیار جالبی که وجود دارد، معادل سازی اصطلاح قرآنی «تبیین» برای استنطاق است. قابل توجه است که واژه‌های استنطاق و «تبیین» هر دو عربی هستند، اما ایشان معادل اصطلاحی واژه استنطاق را واژه «تبیین» دانسته‌اند. با این قاعده‌ای که ایشان گذاشته‌اند، اگر مبانی قابل قبولی داشته باشد، می‌توان مبانی قرآنی جدیدی برای قواعد بازپرسی ارائه داد. بنیان این قواعد جدید بر پایه پذیرش معادل بودن واژه «تبیین» با واژه استنطاق نهاده خواهد شد. آنگاه واژه تبیین در آیات مختلف قرآن قابل توجه خواهد بود زیرا حداقل واژه تبیین در ۱۱ آیه قرآن آمده است و اینها می‌تواند در تحلیل مبانی و قواعد بازپرسی مورد استفاده قرار گیرد و تماماً محتاج پژوهش‌های مستقل بعدی است.

۲۷- اسراف در قتل: (آیه ۳۳ سوره اسراء) **فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا**

ذیل واژه اسراف در قتل دو نکته قابل توجه است. نکته اول؛ برداشت دو حالت متفاوت در زیاده روی در اعدام یعنی تعدد مقتولین و کیفیت قتل و نکته دوم؛ بنیان قرآنی برای جرم انگاری بین‌المللی در کشتار جمعی و جنایت‌های جنگی که امر بدیعی است و می‌تواند بنیان قرآنی برای برخی از قواعد فراملی نیز فراهم کند.

۲۸- اسماع: (آیه ۴۲ سوره بقره) **وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ**

نکته قابل توجه ذیل واژه اسماع، عبارت است از قاعده‌سازی و ناظر دانستن برخی از آیات و اصطلاحات قرآنی به قواعد تاریخ حقوق و بنیان تاریخی برخی از مواد آیین دادرسی کنونی است که به لحاظ اختصار از توضیح بیشتر آن صرف نظر می‌شود.

۲۹- اشاعه فحشا- افشاگری- افشای جرم (آیه ۱۹ سوره نور) **إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**

در ذیل این اصطلاحات و (اشاعه فحشا- افشاگری- افشای جرم) نکات زیر قابل توجه است:
۱- تأکید ایشان در ضرورت جرم‌انگاری رسا و کافی جرم «بیان قضایی ناروا» یا نشر شایعه و نشر اخبار

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به ذیل مدخل بازجویی، جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، ۱۳۸۸،

در مرحله اتهام آن هم در کتاب مبسوط حاکی از تأکید جدی ایشان بر این موضوع است.
۲- تصویب مقررات نسبتاً گویا در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ از جمله تصویب مواد ۴۰، ۹۱ و تبصره ۲ ماده ۳۵۳ آیین دادرسی کیفری، می‌تواند از یک سو ناشی از تأکید استاد و از سوی دیگر ناشی از نیازها و ضرورت اجتماعی و از سوی سوم مبانی قرآنی بر ضرورت جرم‌انگاری این عمل باشد. در این مواد آمده است:

«ماده ۴۰ - افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.»
«ماده ۹۱ - تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند.»
«تبصره ۲ ماده ۳۵۳- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه، ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان پذیر است.»

۳۰- اقامتگاه شرعی: (آیه ۱۹۶ سوره بقره) ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

از نکات قابل توجه آن است که:

۱- بنیان قرآنی برای مدلول ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی بیان شده است.
۲- تعدد اقامتگاه شرعی نیز در همین زمینه استظهار شده است. ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی بر خلاف حکم صریح قانون و شرع ارزیابی شده است و پیشنهاد اصلاح اقامتگاه ارائه شده است که به صورت اقامتگاه از نظر ابلاغ اوراق قضایی قید شود. تأسیسی بودن حکم شرع در بیان ماهیت اقامتگاه، مردود شده و حکم مزبور حکمی امضایی شناخته شده است. این برداشت به اصل عدم تعبد، مستند شده است و در نهایت تجدیدنظر کلی در مقررات اقامتگاه پیشنهاد شده است که از نوآوری‌های جالب استاد است و زمینه انجام پژوهش‌های بعدی را فراهم کرده و علاوه بر آن راهکاری را برای اصلاح قوانین پیشنهاد داده است.

۳۱- اصل انفصال قوا (آیه ۸ سوره مائده) اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى

ذیل واژه اصل انفصال قوی، نکات زیر قابل بررسی است.

۱- تعیین بنیان قرآنی برای تفکیک قوا و ویژگی‌های آن، اهمیت بسیار زیادی دارد و می‌تواند از متفردات ایشان باشد و از اموری است که مسلماً علمای شارح آیات الاحکام در این خصوص کشفی نکردند.
۲- حکم قطعی ایشان مبنی بر اینکه دموکراسی بدون اجرای این اصل مطلقاً مفهوم ندارد، قابل توجه است.
۳- در این خصوص واژگان دیگری هم وجود دارد. این واژگان عبارتند از: اهل استنباط- عدل- قیاس اولویت و مقدمه واجب

۳۲- اهل استنباط (آیه ۸ سوره مائده) اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَى

برداشت ایشان ذیل مدخل مزبور می‌تواند ۱- موجب توسعه علمی شود و مفاهیم قرآنی را به دانش حقوق اساسی پیوند دهد و آنها را با هم درآمیزد و باعث تکامل و ترابط آن علوم شود و ۲- می‌تواند پرسش‌آفرینی‌های پژوهشی فراوانی را پدید آورد ۳- می‌تواند زمینه اصلاح برخی از قوانین را نیز فراهم آورد.

۳۳- قیاس اولویت: a fortiori (آیه ۱۸ سوره زمر) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ

در خصوص این مدخل نکات زیر قابل بررسی است.

اولاً؛ وجه خلاقانه و نوآوری دارد و ثانیاً؛ زمینه پژوهش‌ها و پرسش‌آفرینی‌های پژوهشی بعدی را فراهم می‌کند و ثالثاً؛ موجب توسعه علمی و گسترش علم می‌شود و رابعاً؛ زمینه اصلاح قوانین را نیز فراهم می‌کند. مبانی که برای قیاس اولویت می‌آورند برگرفته از آیه ۱۸ سوره ۳۹ است و می‌فرمایند: احسن الاقوال متبع است. پس احسن الافعال (مثل دموکراسی) به طریق اولی باید متبع باشد. وجه اولویت افعال نسبت به اقوال واضح است به همین جهت گفته‌اند دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

۳۴- مقدمه واجب (آیه ۸ سوره مائده) اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَى

ایشان تفکیک قوا را در سازمان اداری مملکت مقدمه واجب دانسته است. این نکته می‌تواند زمینه پژوهش‌های بعدی را فراهم کند و موجب توسعه علمی شود.

۳۵- امر جامع (آیه ۶۲ سوره نور) إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ

از نکات قابل طرح در خصوص این مدخل این است که هم می‌تواند زمینه قانون‌گذاری‌های فراوان و اصلاح و بازنگری در برخی قوانین را نشان دهد و هم بنیان قرآنی این مفاهیم را نشان دهد و هم پرسش‌آفرینی پژوهشی را نشان می‌دهد و همچنین حاکی از قدرت خلاقه و تدبیر استاد در قرآن است. زیرا با استفاده از آیه ۶۲ سوره ۲۴ مصادیقی همچون تأسیس دانشگاه‌ها، بازار مشترک کشورهای اسلامی، بانک جهانی اسلامی، مجلس شورا، تفکیک قوا و... را از مصادیق امر جامع شمرده‌اند.

۳۶- اصل عدم محرومیت (آیه ۱۹ سوره ذاریات) وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

نکات قابل توجه در خصوص این مدخل، به شرح زیر است.

- ۱- شناسایی سند قرآنی برای اصل عدم محرومیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- ۲- تعریف اصل عدم محرومیت و جایگاه آن در فلسفه حقوق و شناسایی منشأ قرآنی برای آن می‌تواند قابل توجه باشد.
- ۳- تأسف استاد از اینکه روزگار مجال تجدیدنظر در این اصل را نداده است، نشان از نیاز به انباشت

پژوهش در این خصوص دارد و یکی از منابع نیازسنجی پژوهشی برای انجام پژوهش‌های قرآنی در رابطه با اصل عدم محرومیت است.

۳۷- اطرافیان (ایشان این واژه را به آیه خاصی ارجاع نداده‌اند. فقط آورده‌اند که معادل این واژه در قرآن واژه بطانت است)

معادل‌سازی واژه بطانت قرآنی و مفهوم بطانت قرآنی با دو واژه حواشی و اطرافیان آن هم در حوزه مهم مقام دولتی اهمیت دارد. در صورت اثبات معادل بودن اطرافیان با بطانت قرآنی می‌توان جرم انگاری‌های متعددی در حوزه قوانین مبارزه با فساد بر این اساس انجام داد و واژه حواشی و اطرافیان را نیز با رعایت نکات قابل توجه سیاست کیفری به وادی جرم انگاری کشاند. اصل معادل‌سازی این دو واژه نیز امری قابل توجه است.

۳۸- الاسلام یعلو (آیه ۱۳۹ سوره آل عمران وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ آیه ۲۳ سوره توبه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنْ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ)

از نکات مهم در خصوص این مدخل آن است که بنیان قرآنی این قاعده مورد توجه قرار گرفته است. ایشان صریحاً تأکید کرده‌اند که مسلم می‌تواند در امور خود وکیل غیرمسلم داشته باشد. زیرا وکالت، ولایت نیست. نادیده گرفتن این برداشت در سال‌های اخیر موجب طرح مباحث گسترده‌ای در حوزه سیاست و اجتماع و قانون‌گذاری شد. به گونه‌ای که منازعاتی بین شورای نگهبان و مجلس و هیئت دولت پدید آمده و در سطوح مختلف رسانه‌ای، علمی و تخصصی منازعاتی را پدید آورد در مورد فردی به نام سپینتا نیکنام که عضو شورای شهر یزد شده بود و شورای نگهبان او را به خاطر زرتشتی بودن رد کرد.^۱ نکته قابل توجه اینکه این برداشت زمانی توسط استاد مطرح شد که اساساً شائبه‌های هرگونه سیاسی کاری و ناظر بودن به مسئله روز منتفی بوده و مستقیماً با سند قرآنی آن ذکر شده است.

۳۹- الفت اسلامی (آیه ۶۳ سوره انفال) وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ

در خصوص این مدخل نکاتی به شرح زیر وجود دارد:

۱- بنیان قرآنی متعددی که ایشان در مورد الفت اسلامی ذکر می‌کنند، قابل توجه است. ۲- اصطلاح الفت اسلامی حداقل مورد توجه و تأکید سیاستمداران قرار نگرفته است و از این جهت در نگرش‌های تقریب بین مذاهب اسلامی و انجام سیاست‌های وحدت اسلامی که مورد تأکید مقام معظم رهبری و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بوده قابل توجه است.^۲

۱. گزارش پژوهشی مطالعه موردی: عضویت آقای سپینتا نیک‌نام در شورای اسلامی شهر یزد از منظر حقوقی، مرکز پژوهشی دانشنامه‌های

حقوقی علامه به سفارش وزارت دادگستری، تیر ماه ۱۳۹۷

۲. در این خصوص دو عنوان طرح تحقیق با همکاری نگارنده در سال ۱۳۸۹ به سفارش دبیرخانه شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی

۳- نگرش بین‌الملل اسلامی که ایشان در ذیل الفت اسلامی مطرح کرده‌اند و مصادیق مستقلی که برای توسعه الفت اسلامی پیشنهاد کرده‌اند، قابل توجه است. مخصوصاً دیوان داوری بین‌الملل اسلامی که می‌تواند امری بدیع باشد و زمینه ابتکارات پژوهشی و تحقیقی و حتی قانون‌گذاری را فراهم کند.

۴۰- امر به معروف (آیه ۴۱ سوره حج وَأَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْوًا عَنِ الْمُنْكَرِ آیه ۱۰۴ سوره آل عمران وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ)
نکات قابل توجه در این خصوص عبارتند از:

۱- ایشان اهم مصادیق امر به معروف را اجرای قانون دانسته و آن را نیز مختص به دولت می‌دانند.
۲- دخالت‌های مدعیان اصلاح و افلاح در امر دولت را «ترقع طلبی اهل هوس» نام نهادند و مدعیان را مرتکب منکر می‌دانند و مهم‌تر اینکه مطبوعات را در نظام جامعه و دولت در حدود قوانین دخیل در امر به معروف شمرده‌اند.

۳- این نکات قابل توجه است و می‌تواند هم موجب توسعه علمی شود و هم زمینه پژوهش و پرسش آفرینی پژوهشی را فراهم و سؤالات پژوهشی را مطرح کند و هم می‌تواند تابلویی برای اصلاح برخی قوانین باشد.

۴۱- امام (آیه ۱۲ سوره یس) وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ
ایشان در ذیل این مدخل تأکید می‌کنند که امام به اطلاق کلمه نزد مسلمانان جهان امام علی (ع) است. این مطلب عمق ارادت و عشق و نگاه ایشان به امام عدالت را نشان می‌دهد.

۴۲- انحصار طلب (آیه ۷۶ سوره بقره وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ آیه ۱۸۷ سوره آل عمران وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِ)
نکات قابل توجه آن است که پیشینه تاریخی که ایشان از انحصارطلبی ارائه می‌دهند، مفهومی بسیار کهن را در روابط اجتماعی انسان‌ها تبیین می‌کند و نکوهش انحصارطلبی اهل ادیان و شرایع قدیم از نکته‌هایی است که می‌تواند زمینه مطالعات پژوهشی متعددی را فراهم آورد و پرسش‌های پژوهشی متعددی را مطرح کند.

۴۳- اولوالامر (آیه ۵۴ سوره اعراف) أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ
ذیل واژه اولوالامر، مهم‌ترین نکته قابل توجه این است که ایشان بنیانی قرآنی برای اصول ۵۶ و ۵۷ قانون اساسی ارائه می‌دهند.

اهل سنت انجام داده است با عناوین:

- شناسایی، طبقه بندی و تحلیل تدابیر و رهنمودهای حضرت امام (ره) در ارتباط با اهل سنت
- شناسایی، طبقه بندی و تحلیل تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری در ارتباط با اهل سنت

۴۴- ایلاف قریش (سوره قریش)

ایشان ذیل این واژه، مطالبی تاریخی بیان کرده‌اند. نکته قابل توجه این است که مباحث مرتبط با حقوق بین‌الملل و نیز تاریخ حقوق بین‌الملل ارائه شده است که می‌تواند زمینه‌های پژوهش و پرسش آفرینی‌های پژوهشی بعدی را فراهم کند.

۴۵- بازداشت متهم (آیه ۱۰۶ تا ۱۰۸ سوره مائده و آیه ۷۶ سوره یوسف مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ)

از نکات قابل توجه در خصوص این مدخل، موارد زیر است:

۱- بنیان قرآنی در رابطه با منع بازداشت‌های مبتنی بر اتهام بیان شده است. ۲- بنیانی قرآنی برای مواد ۴۴ و ۲۳۷ آیین دادرسی کیفری شناسایی شده است. ۳- نمونه‌هایی تاریخی که کارکرد تفسیری برای آیات قرآن دارد و سیره و روش امام علی (ع) را نشان می‌دهد، قابل توجه است. ۴- این برداشت‌ها هم زمینه اصلاح برخی قوانین را می‌تواند فراهم کند و هم زمینه انجام پژوهش‌های متعدد قرآنی و جزایی را می‌تواند فراهم آورد و خلاقیت استاد را نیز در برداشت‌های جدید نشان می‌دهد و موجب توسعه آیات الاحکام آیین دادرسی کیفری نیز می‌شود ۵- اگر بنا باشد مبانی قرآنی آیین دادرسی کیفری نگاشته شود مورد استناد و استفاده خواهد بود.

۴۶- بینات و زبُر (آیه ۱۸۴ سوره آل عمران فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ و آیه ۱۶۳ سوره نساء وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا)

از نکات قابل توجه در این خصوص این است که اثبات حجیت سند بر اساس آیات قرآن، از ابتکارات ایشان است و می‌تواند موجب توسعه علمی شود و حتی اصلاحات قانون‌گذاری را نیز پدید آورد.

۴۷- تفسیر به رای (آیه ۳۷ سوره آل عمران و آیه ۲۱ سوره صوهلْ أُنَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ)

از نکات قابل توجه این است که ایشان عناصری برای تعریف اصطلاح تفسیر به رأی شمرده‌اند و آن را منهی دانسته‌اند، این تعریف حاکی از آن است که ایشان در برداشت‌هایی که از آیات قرآن دارند، مراقبت‌های لازم را می‌کنند تا مرتکب تفسیر به رأی نشوند. در توضیحی که از تنازع به القاب می‌دهند، سند قرآنی برای رفتار اهانت آمیز ذکر می‌کنند و پیشنهاد جرم‌انگاری عملی را می‌دهند که در قانون نیامده و مناسب است که این تأکید ایشان به صورت خاص مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد.

۴۸- حسن همجواری (آیات یک تا نه سوره مبارکه ممتحنه آیه ۷: عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً و نیز آیات نخستین سوره مبارکه روم)

شناسایی بنیان قرآنی برای اصل همجواری در حقوق بین‌الملل عمومی از ابتکارات ایشان است و می‌تواند زمینه پژوهش‌های بعدی را در این خصوص فراهم آورد.

۴۹- حکومت قانون (آیه بیستم سوره مبارکه نساء وَ إِن أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا ۚ أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا)

نکات قابل توجه در خصوص این مدخل، عبارتند از:

۱- ایشان بنیان آیه بیستم سوره نساء را برای اصل حکومت قانون ذکر می‌کند. این اصل از اصول شناخته شده در حقوق اساسی است.

۲- اشاره بسیار مناسب ایشان به واقعه‌ای تاریخی در صدر اسلام در زمان خلفای راشدین اهمیت این اصل و استناد به آن را بهتر نشان می‌دهد.

۳- اشاره ایشان به موادی از قانون مدنی در راستای حکومت قانون می‌تواند بنیان قرآنی این مواد را بیشتر کند.

۴- بر اساس بنیان قرآنی اصل مزبور می‌توان هم اصلاحات قانون‌گذاری را شناسایی کرد و هم پرسش‌های پژوهشی فراوانی را در این خصوص به عنوان نیازسنجی پژوهشی ارائه داد.

۵۰- دارا شدن بدون علت

(ایشان در ذیل این مدخل به مشخصات آیه خاصی اشاره نکرده‌اند و فقط آورده‌اند که در لسان قرآن اکل مال به باطل عنوان شده است)

معادل‌سازی دارا شدن بدون علت با واژه قرآنی «اکل مال بباطل» از ابتکارات استاد است. این ابتکار علاوه بر خلاقیت ذهنی استاد می‌تواند زمینه پژوهش‌های گسترده‌ای را فراهم کند و تبادلات علمی و مطالعات بین رشته‌ای را افزایش دهد؛ زیرا پیرامون «اکل مال بباطل» پژوهش‌های زیادی انجام شده است و اصطلاح دارا شدن بدون علت که از طریق ترجمه به ما رسیده است، نیز دارای سوابق پژوهشی گسترده‌ای است و بررسی بین رشته‌ای این واژگان می‌تواند به توسعه علمی و رشد علمی منتهی شود.

۵۱- سد ذرایع (آیه ۱۰۹ سوره انعام وَأَفْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِيُؤْمِنُنَّ بِهَا ۚ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَأَيُّؤْمِنُونَ)

از نکات قابل توجه اینکه:

۱- ارتباطی قرآنی بین آیه ۱۰۹ سوره مبارکه انعام و مفهوم سد ذرایع برقرار کرده‌اند.

۲- مخالفان سد ذرایع را ظاهریون و اخباریون می‌دانند و در توصیف آنان می‌گویند که آنها از اعمال نظر عقل در قوانین و زندگی قضایی امتناع می‌ورزند. این موضوع نشان می‌دهد که بنیان نظری ایشان نسبت به سد ذرایع به لحاظ اندیشه‌ای چگونه است؟

۵۲- سرقت ادبی (این اصطلاح را به آیه الاعتداء- آیه ۱۹۴ از سوره مبارکه بقره- ارجاع داده‌اند)

نکات قابل توجه در خصوص این اصطلاح به شرح زیر است:

۱- مطالب فکری و هنری دیگران را به نام خود تمام کردن مشمول عدوان عرفی است.

۲- این عمل، اگر سبب اتلاف حقوق مالی شود، صدور حکم به جبران خسارت شرعاً اشکالی ندارد.

۳- اگر موجب اذیت مؤمن شود حرام است و عقوبت دارد

۴- اگر هیچ‌یک از این دو عنوان صدق نکند و صرفاً عدوان باشد، مستلزم تعزیر است.
۵- کاربرد واژه سرقت در مورد سرقت ادبی در حالی است که عناصر سرقت در این مورد وجود ندارد و عدوان عرفی بر سرقت ادبی منطبق است و لذا باید از این زاویه مدنظر باشد نه از جهت سرقت. بنابراین ایشان هم بنیان‌های قرآنی برای مالکیت فکری بیان کرده‌اند و هم اصلاح قوانین مرتبط از نظرات ایشان قابل استخراج است.

۵۳- سکه قلب (آیات ۲۹ و ۳۰ سوره مبارکه نساء آیه ۳۰ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدْوَانًا وظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا) نکته مهم در این خصوص، آن است که اشاره به بنیان قرآنی جرم انگاری ماده ۹۳ قانون مجازات عمومی دارند و منشأ قرآنی برای آن ذکر می‌کنند.

۵۴- سوء نیت (آیه ۵ سوره احزاب وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ) در توضیح اصطلاح سوءنیت ایشان آیه ۵ سوره احزاب را به عنوان منشأ قرآنی برای آن ذکر می‌کنند و به این ترتیب زمینه پرسش آفرینی‌های پژوهشی را فراهم می‌کنند که آیا سوءنیت به معنای آنچه در حقوق جزاست با مفهوم قرآنی که ایشان ذکر می‌کنند و یا مفاهیم مرتبط قابل اثبات و تحلیل هست یا نه؟

۵۵- شهادت (آیه ۳۳ سوره معارج وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ و آیه ۶ سوره نور و آیه ۳۲ سوره نمل و آیه ۱۹ سوره زخرف و آیه ۶ سوره مریم و آیه ۵۴ سوره هود قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ و آیه ۸۱ سوره یوسف و آیه ۲۶ سوره یوسف و آیه ۲۳ سوره بقره و آیه ۱۳۰ سوره انعام و آیه ۱۷۲ سوره اعراف)

در خصوص مدخل شهادت نکات زیر قابل ذکر است:

اولاً؛ اصطلاح شهادت به معنای اصطلاح تخصصی آیین دادرسی مدنی در این جا مورد نظر استاد است. ثانیاً؛ شناسایی آیات متعددی که در ارتباط با شهادت در قرآن کریم آمده است اهمیت دارد و ثالثاً؛ احصای ۷ معنا از شهادت به استناد آیات مختلف قرآن، از نوآوری‌های ایشان است که پرسش‌های پژوهشی متعددی را فراهم می‌کند و اساس پژوهش‌های روشمند و نیز زمینه‌های اصلاح قانون را فراهم می‌کند. رابعاً؛ توسعه علمی و روابط میان دانش شکل گرفته پیرامون این آیات در تفاسیر مختلف و کتب فقهی با ارتباط آن به اصطلاح آیین دادرسی شهادت می‌تواند زمینه پژوهش‌های قرآنی و حقوق متعددی را در خصوص شهادت فراهم آورد.

۵۶- عدم النفع (آیه ۸ سوره مائده) اَعْدُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى شناسایی منشأ قرآنی برای عدم النفع و ادعای تطابق معنای قانونی این تعریف قرآنی از نوآوری‌های ایشان است این برداشت می‌تواند زمینه پژوهش و پرسش‌های پژوهشی متعددی را فراهم کند و موجب توسعه علمی در روابط علمی شود.

۵۷- عقد مواده (آیه ۶۱ سوره انفال) وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

شناسایی منشأ قرآنی برای عقد مواده و استفاده آن در روابط بین‌الملل واجد نوآوری و خلاقیت است. ضمن اینکه می‌تواند پرسش‌های پژوهشی متعددی را فراهم آورد و از نظر نیازسنجی پژوهشی امری قابل توجه است.

۵۸- علم نظامی (از مصادیق امر جامع آیه ۶۲ سوره مبارکه نور است) إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ

در خصوص این مدخل نکات زیر قابل بررسی است.

۱- علم نظامی را علمی که صیانت نظام عام جامعه وابسته به آن است، دانسته‌اند.

۲- این تعریف ایشان هم واجد ویژگی خلاقیت و نوآوری است و هم زمینه‌سازی پژوهش‌های مفصل بعدی را فراهم می‌کند و هم روابط بین علوم را تسهیل می‌کند و می‌تواند موجب توسعه علمی شود.

۵۹- فرار از حرام (ایشان در ذیل این مدخل به مشخصات آیه خاصی اشاره نکرده‌اند و فقط آورده‌اند که دو آیه در قرآن در خصوص جواز و منع حیل وجود دارد)

در خصوص این مدخل نکات زیر قابل بررسی است.

۱- ایشان می‌گویند که دو آیه در قرآن در خصوص جواز و منع حیل وجود دارد. ولی ذکری از این آیات نمی‌کنند و اشاره‌ای به آن ندارند و به نحوی در دلالت آنها به نتیجه رسیده‌اند که به نظر می‌رسد امری ابتکاری و خلاقانه است و می‌تواند زمینه پژوهش‌های بعدی را فراهم کند. ۲- به نظر می‌رسد دو آیه‌ای که ایشان به آن اشاره کرده‌اند یکی مربوط به اصحاب‌السبت باشد که از حیله استفاده کرده‌اند و آیه دیگر مربوط به ایوب نبی است. آنجا که می‌گوید «یک دسته جارو بگیر و به او بزن و سوگندت را مشکن» (آیه ۴۴ سوره ص) می‌تواند ادعای مورد نظر باشد. البته این استنباط مد نظر ماست و نکته جالبی است که استاد به آن اشاره دارند هم وجه خلاقانه دارد و هم ارزش پژوهش‌های بعدی را دارد و بر اساس آن می‌تواند توسعه علمی را نیز فراهم آورد.

۶۰- فرض معدوم الواقع (آیه ۴۴ سوره آل عمران ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَفَلَمَّهْمُ أَيْهَمُ يَكْفُلُ مَرِيْمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ)

در خصوص این مدخل نکات زیر قابل بررسی است.

مفاد (ماده ۱۰۹ قانون مدنی و حتی ماده ۱۵۷ قانون مدنی)^۱ را با آیه ۴۴ سوره مبارکه آل عمران ارتباط

داده‌اند که واجد وصف خلاقانه و کشف و ابداع و ابتکار است و از این جهت زمینه پژوهش‌ها و پرسش‌آفرینی‌های پژوهشی متعدد را فراهم آورده‌اند.

۶۱- فقیر (آیه ۶۰ سوره توبه) إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا

در خصوص این مدخل نکات زیر قابل بررسی است:

اولاً؛ وجه خلاقانه و نوآوری دارد و ثانیاً؛ زمینه پژوهش‌ها و پرسش‌آفرینی‌های پژوهشی بعدی را فراهم می‌کند و ثالثاً؛ موجب توسعه علمی و گسترش علم می‌شود و رابعاً؛ زمینه اصلاح قوانین را نیز فراهم می‌کند. از جمله نکاتی که در این خصوص آورده‌اند. این است که آورده‌اند: فقیر کسی است که عایدات و دارایی او بدون مستثنیات دین کفاف هزینه معاش سال او را ندهد و دیگر این که اهل صنعت و حرفه را فقیر نمی‌گویند.

۶۲- لا يعلم الا من قبله (آیه ۹۴ سوره نساء) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا

در خصوص این مدخل نکات زیر قابل بررسی است.

۱- وجه خلاقانه جالبی در این خصوص وجود دارد. زیرا اصطلاح مزبور در فقه بیشتر در باب عبادات و اندکی در حوزه معاملات آورده شده است؛ اما ایشان اصطلاح مزبور را در حوزه آیین دادرسی تعریف کردند
 ۲- مهمتر آنکه سند قرآنی برای آن ارائه داده‌اند که این نیز وجه خلاقانه دارد.
 ۳- با اشاره به برخی از مواد قانونی مدنی ایران و قانون مدنی فرانسه تطبیقاتی در این خصوص انجام داده‌اند که خود این موضوع، مسئله ترابط بین علوم و توسعه علمی را فراهم می‌کند و پرسش‌آفرینی‌های پژوهشی متعددی را در پی دارد.

۶۳- متشابهات (آیه ۷ سوره آل عمران) هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ

ایشان مفهوم متشابهات قرآنی را مدنظر داشته‌اند و مثال‌های آن را شناسایی کرده‌اند و همواره تلاش کرده‌اند که در برداشت‌ها و خلاقیت‌های قرآنی مرزهای مربوط به این خصوص را رعایت کنند و مرتکب منهیات و مخالفان اجماع نشوند.

موجود باشد.

ماده ۱۰۷- هرگاه دو زمین در دو طرف نهر محاذی هم واقع شوند و حق تقدم یکی برد دیگری محرز نباشد و هر دو در یک زمان بخواهند آب ببرند و آب کافی برای هر دو نباشد باید برای تقدم و تأخر در بردن آب به نسبت حصه قرعه زده و اگر آب کافی برای هر دو باشد به نسبت حصه تقسیم می‌کنند.

۶۴- محاضیر (آیه ۸ سوره مائده اَعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَى)

ایشان در ذیل واژه محاضیر بنیانی قرآنی برای برپایی حکومت عدل و وجوب آن اشاره کرده‌اند که در نوع خود می‌تواند خلاقانه باشد و زمینه پژوهش‌های بعدی را فراهم کند.

۶۵- مسئولیت عمل غیر Responsabilite du fait d'autrui (آیه ۱۶۴ سوره انعام وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى)

اشاره به منشأ قرآنی این اصل و تعارضاتی که با قرآن دارد، قابل توجه است. مخصوصاً اینکه در قانون جدید مجازات اسلامی مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر در فروضی پذیرفته شده است. از جمله در ماده ۱۴۲ این قانون آمده است: «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخصی به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.» نسبت سنجی میان این آیه و ماده مذکور می‌تواند زمینه‌های پژوهشی فراوانی را فراهم کند و دارای وجه خلاقانه و ابداعی نیز هست.

۶۶- معاونت در جرم (آیه ۱۷ سوره قصص قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ و آیه ۸۵ سوره نساء وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا و آیه ۲ سوره مائده وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ)

ذکر ارتباط اصطلاح معاونت در جرم با سه واژه در قرآن کریم دارای وجوه خلاقانه است و پرسش‌های پژوهشی متعددی را در میان نکات قابل استفاده از آیات مزبور در ارتباط با اصطلاح معاونت در جرم ایجاد می‌کند و از این جهت قابل توجه است.

۶۷- واقعه (نام سوره ۵۶ قرآن کریم است)

واقعه را ایشان به گونه‌ای تعریف کردند که توصیفی از شرایط خودشان هم هست. می‌توان در دریافت‌ها و خلاقیت‌های قرآنی از آن نام برد.

۶۸- استقلال اراده (آیه ۳۶ سوره احزاب) وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ

از نکات قابل توجه این است که استاد این اصطلاح را با اصل اباحه در فقه تقریباً معادل دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری:

یافته‌های این تحقیق حداقل دارای ۴ نکته اساسی است. اولاً؛ ارزش ابتکارات استاد جعفری لنگرودی را یادآوری می‌کند و نشان می‌دهد که ایشان دارای ابتکارات متعدد خلاقیت و نوآوری در فهم قرآن بوده‌اند و از نظر شخصی و ذهنی توجه و انس زیادی به آیات قرآن کریم دارند. ثانیاً؛ این انس ذهنی به صورت فرایندی موجب توسعه علمی شده و روابطی را بین علوم قرآنی، فقه، حقوق و یافته‌های بشری برقرار می‌کند و موجب گفتمان‌سازی و توسعه علمی می‌شود و روند تولید علم و نوفهمی آیات قرآن و نوزایی آیات الاحکام را فراهم می‌کند. ثالثاً؛ منبعی غنی برای قانون‌گذارانی که آرزوی قرآنی کردن هرچه بیشتر مقررات قانونی دارند را فراهم می‌کند و تابلوی راهنمایی فراروی آنها قرار می‌دهد تا بتوانند هرچه بیشتر و بهتر مبانی قانون‌گذاری خود را قرآنی‌تر کنند و به اهداف و ارزش‌های والای قرآنی در فرایند قانون‌گذاری نزدیک‌تر شوند و رابعاً؛ موضوعات و زمینه‌های پژوهشی بسیار متعددی را برای پژوهشگران فراهم می‌کند تا با تأکید به شیوه‌ی ایشان، با طرح پرسش‌های پژوهشی و پرسش‌آفرینی جدید برای پژوهش‌های بعدی، باعث ترغیب پژوهشگران می‌شود تا با ورود به این حوزه‌های نوپدید و یا نوپیدا و یا نوفهمیده، دامنه‌ی استنباطات خود را افزایش دهند و در تأیید و رد و تعمیق و تعمیم و تزییق یافته‌های ایشان بکوشند و بر فرایند توسعه علمی بیفزایند.

پیشنهادها:

- * مرکز داوری اتاق ایران می‌تواند با الهام از اندیشه‌های ایشان ذیل اصطلاح "الفت اسلامی" و با استناد به بنیان قرآنی آن، به ترویج و توسعه و بینش اهداف سازمانی و فلسفه وجودی خود پردازد.
- * مفاد ذیل اصطلاح "الفت اسلامی" می‌تواند به عنوان پیشنهادها همایش نیز قابل توجه باشد و از اندیشه‌های ایشان، با استناد به بنیان قرآنی، این مفهوم به مراجع مختلف ملی و بین‌الملل اسلامی پیشنهاد شود.
- * این پیشنهاد، می‌تواند به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ارائه شود تا در شرایط تحریم و منازعات میان کشورهای اسلامی گفتمان‌سازی مناسبی را ایجاد کند.
- * پرسش‌آفرینی‌هایی که بر اساس این تحقیق شناسایی شده است قابل سفارش به عنوان موضوعات پژوهش و پایان‌نامه‌های حقوقی و قرآنی است و می‌تواند زمینه پژوهش‌های بعدی را فراهم کند. بعون ... تعالی

منابع و مأخذ:

الف - قوانین

۱. قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲.
۲. قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱.
۳. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
۴. ماده واحده نحوه اجرای احکام طلاق، مصوب ۱۳۷۰.

ب - سایر منابع

۵. پوربدخشان، جعفر، درویش زاده، محمد، (۱۳۹۹)، تعرض به سند، (مفاهیم، قواعد و نحوه رسیدگی در حقوق ایران)، جنگل.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول تا پنجم.
۷. دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، شناسایی، طبقه بندی و تحلیل تدابیر و رهنمودهای حضرت امام (ره) در ارتباط با اهل سنت، (طرح پژوهشی).
۸. دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، شناسایی، طبقه بندی و تحلیل تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری در ارتباط با اهل سنت (طرح پژوهشی).
۹. درویش‌زاده کاخکی، محمد، (۱۳۸۹)، «تفسیر عصری و نوزایی آیات الاحکام جزای»، همایش قرآن، حقوق، سیاست روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد خراسان.
۱۰. شهابی، محمود، (۱۳۷۵)، ادوار فقه، جلد دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. طباطبایی، علامه محمدحسین، (۱۳۷۰)، تفسیر المیزان، جلد دوم، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸) تفسیر نور، جلد اول، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۵)، مقدمه علم حقوق (مطالعه در نظام حقوقی ایران)، بهمن، ۱۳۷۵.
۱۴. مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۹۳)، هرمنوتیک، چاپ هشتم، کتاب و سنت.
۱۵. واعظی، احمد، (۱۳۹۳)، درآمدی بر هرمنوتیک، سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.